

## تحلیل مصدرشناختی منقولات علی بن بابویه از محمد بن یحیی العطار در الإمامة

### و التبصرة من الحيرة

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۲

انسبه مخبری<sup>۱</sup>  
محمد غفوری نژاد<sup>۲</sup>

### چکیده

بازشناسی مصادر نخستین حدیثی، دارای فواید حدیثی، کتاب شناختی و تاریخی متعددی است. توجه مطابقت سند با طریق صاحبان فهرس به مصادر نخستین، تکرار سلسله سند منتهی به صاحب کتاب در منابع حدیثی و هم خوانی موضوع روایات با عنوان کتب، از قرائن اخذ حدیث از مصادر مکتوب است. ابن بابویه در کتاب الإمامة و التبصرة من الحيرة - که قدیمی ترین تک نگاری موجود شیعه در موضوع امامت و غیبت است - مجموعاً ۸۷ حدیث نقل کرده که ۲۳ حدیث را بلاواسطه از محمد بن یحیی دریافت کرده است. محتمل ترین منابع مورد استفاده ابن بابویه، کتاب های: النوادر محمد بن یحیی، الإمامة محمد بن احمد، الإمامة یونس بن عبدالرحمن، الإمامة و وصایا الإنمّه محمد بن حسین بن ابی الخطاب است. این راویان نیز، به نوبه خود از کتاب هایی هم چون: التفسیر علی بن أسباط، النوادر ابی ایوب الخزاز، المشیخه و یا النوادر جعفر بن بشیر، النوادر أبو حمزه الثمالی، کتاب محمد بن عبدالجبار، الإمامة و الوصیة علی بن رئاب، النوادر و یا المشیخه حسن بن محبوب، الإمامة عبدالله بن مسکان، الرد علی الواقفیه حسن بن موسی الخشاب، البشارات، الملاحم و یا المثالب

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته کلام امامیه، دانشگاه تهران، پردیس فارابی (نویسنده مسئول)  
(ensi.mokhberi2021@gmail.com)

۲. دانشیار گروه شیعه شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب و مدیر گروه مطالعات تطبیقی اسلام و ادیان پژوهشکده امام رضا (ع) (ghafoori@urd.ac.ir)

علی بن مهزیار، الملاحم، المثالب ویا النوادر صفوان بن یحیی، النوادر محمد بن سنان و الإمامه محمد بن عیسی بن عبید استفاده نموده‌اند.  
 کلیدواژه‌ها: علی بن بابویه، الإمامة و التبصرة من الحيرة، محمد بن یحیی، امامت، مهدویت، منابع حدیثی نخستین.

### ۱. طرح مسئله

ابوالحسن، علی بن حسین بن موسی بن بابویه (م ۳۲۹ق)، مشهور به صدوق اول یا صدوق پدر، یکی از فقهای نام‌دار، از اصحاب فتوا و اجتهاد و در عصر خویش، رئیس فقها، محدثین و پیشوای مردم قم بوده است. شیعیان در امور دینی به او مراجعاتی داشته‌اند و فتوایش نزد همگان، نافذ و محترم بوده است.<sup>۱</sup> علی بن بابویه مورد عنایت خاص حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع شده و نامه‌ای از سوی آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط حسین بن روح نوبختی به او رسیده و طی آن، بشارت تولد دو فرزند پسر به او داده شده است.<sup>۲</sup>

کتاب الإمامة و التبصرة من الحيرة، یک نمونه از تألیفات گران سنگ ابن بابویه است<sup>۳</sup> که به موضوع امامت، به نحو عام و به موضوع غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور ویژه پرداخته است. روی سخن در این اثر با کسانی است که به «امامت» به عنوان اصلی از اصول مذهب باور دارند، ولی در شخص هرامامی پس از امام دیگر با هم اختلاف نظر پیدا نموده‌اند. این معنا از عناوین ابواب کتاب به خوبی پیدا است.

کتاب الإمامة و التبصرة من الحيرة از گنجینه‌های ارزشمندی است که از هجوم حوادث و وقایع شکننده محفوظ مانده و به ویژه در موضوع غیبت قدیمی‌ترین اثری است که در دسترس ما قرار دارد؛ چرا که مؤلف آن، متوفای سال ۳۲۹ق است و مؤلفان دیگر غیبت‌نگاری‌های موجود، همچون نعمانی، شیخ صدوق، شیخ طوسی، سید مرتضی و شیخ مفید، همگی بعد از عصر ابن بابویه به نگارش آثار خود پرداخته‌اند.<sup>۴</sup>  
 به هر روی، می‌دانیم جوامع حدیثی - که در سده‌های سوم و چهارم هجری به بعد نگاشته

۱. الرجال، ص ۲۶۱؛ فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۲۷۳.

۲. الرجال، ص ۲۶۱.

۳. همان.

۴. برای مطالعه بیشتر در مورد جایگاه کتاب، رک: مقدمه الامامة و التبصرة من الحيرة، ص ۱۱-۱۹؛ برای برخی تردیدها در

انتساب کتاب به ابن بابویه و نقد آن، رک: «حدیث‌شناسی الامامة و التبصرة من الحيرة»، ص ۱۸۱.

شده‌اند - برگرفته از متونی هستند که در دوره‌های متقدم نوشته شده و غالباً به دست ما نرسیده‌اند.<sup>۱</sup> براین اساس، می‌توان ادعا کرد بسیاری از متون سلف، با کمک مجموعه‌های به جا مانده از سده‌های بعد قابل بازشناسی و بازسازی‌اند.<sup>۲</sup>

گفتنی است مفهوم «بازشناسی» متفاوت از مفاهیم «بازسازی» و «بازیابی» است؛ چرا که بازیابی به معنای گردآوری قطعات پراکنده و باقی مانده یک مصدر مفقود از مصادر بعدی و چیدن آن‌ها در کنار هم است؛ اما بازسازی عبارت است از ساختن دوباره مصدر براساس ویژگی‌های اصیل و اولیه آن. در حقیقت، به معنای بازگرداندن مصدر به شکل نخستین است. بنا براین، بازیابی متون مفقود را نباید با بازسازی آن‌ها یکی دانست؛ بلکه بازیابی یک اثر مفقود، مقدمه‌ای برای بازسازی آن به شمار می‌رود.<sup>۳</sup>

تحلیل مصدرشناختی احادیث شیعه فواید مهمی دارد؛ از آن جمله می‌توان به: بررسی کلی روایات راوی و کتاب او، شناخت نُسخ مختلف و حل تعارض روایات، شناخت بهتر محتوای آثار مفقود و بازیابی تمام یا قسمت‌هایی از آن‌ها، کمک به کشف اشتباه استنادات مشهور، کشف اضافات و الحاقات به کتب، و کشف کتاب یا مؤلف جعلی اشاره کرد.<sup>۴</sup> اما بی‌تردید مهم‌ترین فایده این تحلیل به اعتبارسنجی احادیث برمی‌گردد.

توضیح، آن‌که گزارش‌های فراوان برجای مانده از محدثان متقدم امامی، حکایت از آن دارد که منابع مکتوب حدیثی در فرآیند احراز صدور نزد محدثان متقدم امامی نقش بسزایی داشته است.<sup>۵</sup> نمونه روشنی از توجه متقدمان به نقش و تأثیر مؤلفه‌های کتاب محور در ارزیابی‌های صدور احادیث در مقدمه کتاب من لایحضره الفقیه شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) بازتاب یافته است.<sup>۶</sup> شماری از عالمان متأخر، همچون شیخ بهایی، میرداماد، ملامحمدامین استرآبادی و فیض کاشانی نیز بر

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، رک: مدخل «تدوین حدیث» در دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۷۴۹-۷۵۵.
۲. برای نمونه می‌توان از این آثار نام برد: «کتاب حلبی منبعی مکتوب در تالیف الکافی»؛ «بازشناسی مصادر کتاب الغیبه طوسی»؛ «فهارس الشیعه»؛ «بازشناسی منابع کلینی در تالیف الکافی»؛ «الکاتب النعمانی و کتاب الغیبه»؛ «تبارشناسی منابع روایات اعتقادی الکافی»؛ «تحلیل مصدرشناختی الغیبه شیخ طوسی»؛ «بازشناسی مصادر احادیث کتاب الغیبه نعمانی» و «مهدویت‌نگاری در سده‌های نخستین».
۳. برای مطالعه بیشتر درباره مفهوم بازیابی و تفاوت آن با بازسازی، رک: «بازسازی متون کهن حدیث شیعه»، ص ۶۰-۶۴.
۴. «بازشناسی مصادر احادیث کتاب الغیبه نعمانی»، ص ۶.
۵. برای تفصیل رک: «نگاهی به نقش و جایگاه مؤلفه‌های کتاب محور در ارزیابی‌های حدیثی قدما در پرتوی تحلیل منابع فهرستی».
۶. رک: من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳-۴.

این حقیقت تأکید دارند. تأثیر این مؤلفه‌ها تا بدان جاست که همین عالمان از آن به مثابه یکی از تفاوت‌های بنیادین میان حدیث پژوهی متقدمان و متأخران یاد کرده‌اند.<sup>۱</sup>

نتایج توجه قدما به اعتبار کتاب‌های اولیه حدیثی در اوصافی چون «مُعْتَمَدٌ»، «مُعْتَمَدٌ عَلَیْهِ» و «مَعْمُولٌ عَلَیْهِ / عَلَیْهَا» در فهرس کهن برجای مانده بازتاب یافته است.<sup>۲</sup>

معیارهای متعددی در این جا مورد توجه بوده است که عرضه کتاب بر امام و تأیید آن از جمله آن‌هاست. گزارش‌های متعدد درباره عرضه کتب حدیثی بر ائمه علیهم‌السلام و پرسش از اعتبار آن‌ها نشان از وجود سازوکاری هر چند محدود میان شاگردان ائمه علیهم‌السلام برای اطمینان به صدور احادیث موجود در این کتاب‌ها دارد که همین محتوای تأیید شده از سوی ائمه علیهم‌السلام مورد توجه محدثان پسین نیز بوده است.<sup>۳</sup> مقبولیت کتاب نزد محدثان و مدارس حدیثی، معیار دیگر از این دست است و این مقبولیت کتاب و توجه به شهرت آن و روایت نیز از جمله قراین مهم بر صدور احادیث بوده است.<sup>۴</sup> ظاهراً توصیه ائمه علیهم‌السلام به روایات مشهور و کنار نهادن احادیث شاذ در تقویت این توجه مؤثر بوده است.<sup>۵</sup> وجود حدیث در کتاب و اصل یک مؤلف یا راوی از دیگر نشانه‌های توجه به ارزیابی کتاب محور از سوی قدماست. نمونه‌ای از کاربرد این معیار را می‌توان در ارزیابی شیخ صدوق از حدیثی منقول از محمد بن یعقوب بن شعیب، از پدرش، از امام صادق علیه‌السلام مشاهده نمود.<sup>۶</sup>

برای تحلیل مصدرشناختی احادیث کتاب الإمامة و التبصرة من الحیرة این احادیث را بر اساس مشایخ بلاواسطه ابن بابویه پدر دسته‌بندی کردیم. بر اساس این دسته‌بندی معلوم شد که ایشان احادیث کتاب را از هشت تن از مشایخش نقل کرده است که پربسامدترین آن‌ها، بعد از سعد بن عبدالله، محمد بن یحیی است. از این رو، در این نوشتار به تحلیل

۱. مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین، ص ۲۶۹؛ الرواشح السماویة، ص ۱۶۱؛ الفوائد المدنیة و الشواهد المکیة، ص ۳۰، ۴۹، ۵۸، ۷۸-۷۹، ۸۷-۸۸، ۱۰۹-۱۱۳، ۱۲۲-۱۲۳، ۱۳۱-۱۳۲، ۱۷۷-۱۷۸؛ الوافی، ج ۱، ص ۲۲-۲۶.

۲. برای نمونه رک: الرجال، ص ۵۸؛ فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۳۹، ۱۵۸، ۲۵۶، ۲۸۵، ۳۰۵ و ۳۳۵.

۳. برای نمونه رک: الکافی، ج ۷، ص ۳۱۱، ۳۲۴، ۳۳۰، ۳۶۲؛ ج ۱۰، ص ۲۶۷، ۲۸۵، ۲۹۴؛ مقاله عرضه حدیث بر امامان: قسمت اول، ص ۲۹-۵۴؛ مقاله عرضه حدیث بر امامان: قسمت دوم، ص ۱۲۰-۱۶۹؛ خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰۴ و ۱۰۶.

۴. برای نمونه رک: تفصیل و سائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ج ۳، ص ۲۴۴.

۵. رک: الکافی، ج ۱، ص ۶۷-۶۸.

۶. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۰؛ رک: مقاله نگاهی به نقش و جایگاه مؤلفه‌های کتاب محور در ارزیابی‌های حدیثی قدما در پرتوی تحلیل منابع فهرستی.

مصدرشناختی این روایات می‌پردازیم. بررسی مصدرشناختی دیگر روایات این کتاب در نوشتاری دیگر از همین قلم صورت پذیرفته است.

## ۲. درآمدی روش‌شناختی

برای اثبات وجود یک کتاب به عنوان یک منبع مکتوب، باید قرینه‌ای استوار بر ثبوت چنین کتابی در سند آن حدیث یا تصریحی در دیگر منابع معتبر مثل کتب فهارس، کتب تاریخی یا کتب ملل و نحل وجود داشته باشد؛ گاه برای یک مؤلف در فهارس فقط یک کتاب ذکر شده است. گاه نیز مؤلفی صاحب چندین اثر است. در این صورت، طریق کشف مصدر مکتوب از بین کتب وی، دقت در متن حدیث و تطبیق محتوای حدیث با عنوان کتبی است که در منابع رجالی به آن مؤلف نسبت داده‌اند.<sup>۱</sup>

قرینه‌هایی، تشخیص مصدر مکتوب احادیث را میسر می‌کنند:

۱. توجه به تکرار بخش‌های آغازین سند یا تعلیق سند به اضممار در گروهی از روایات

پی‌درپی؛

۲. شناسایی بخش مشترک اسانید در گروهی از روایات پراکنده؛

۳. مبهم نبودن نام راویان در طریق منتهی به کتاب و ابهام راویان پس از او؛

۴. وجود تحویل یا اضممار در سند به گونه‌ای خاص؛

۵. هماهنگی موضوع روایت با موضوع کتابی که نام مؤلفش در سند حدیث ذکر شده است؛

۶. اخذ مستقیم حدیث از مشایخ؛

۷. انطباق سند حدیث با طریق به برخی کتاب‌های رجال سند در منابع فهرستی.

این‌ها هفت مورد از مهم‌ترین قرائن هستند.<sup>۲</sup>

در این پژوهش قرائن اول، دوم، پنجم و هفتم بیشترین کارایی را داشته‌اند. در خلال این پژوهش، برای اشاره به این قرائن، از آن‌ها با شماره ترتیب فوق نام برده شده و از توضیح مکرر هر قرینه، ذیل احادیث خودداری گردیده است. نیز، لازم به توضیح است که به طور معمول، پژوهش‌گران با اتکا به قرائن مذکور، سعی در کشف مصادر نخستین احادیث می‌نمایند. در این تحقیق، علاوه بر استفاده از این شیوه، تلاش کرده‌ایم تا برخی طرق انتقال کتب حدیثی کهن را - که در منابع فهرستی منعکس نشده است - براساس اسناد احادیث بازیابی

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: مقاله الکاتب النعمانی و کتاب الغیبه، ص ۱۸۸-۲۰۸.

۲. برای تفصیل رک: همان.

نماییم.<sup>۱</sup> توضیح، این که صاحبان فهارس، خود در مقدمه آثارشان متذکر گردیده اند که ملتزم به ذکر تمام طرق خود به کتاب های گزارش شده نیستند.<sup>۲</sup>

ما در این پژوهش در اسانیدی که طبق برخی قراین، به یک منبع مکتوب حدیثی منتهی می شود و در منابع فهرستی به عنوان طریق به کتاب مزبور منعکس نشده است، احتمال داده ایم که آن اسانید، در عرض طرق مذکور در منابع فهرستی، طریقی برای انتقال آن کتاب بوده و صاحبان فهارس به جهت اختصار و یا عدم اعتماد از ذکر آن صرف نظر کرده اند. بدین ترتیب در مواردی از دل اسانید، داده های فهرستی و کتاب شناختی نیز استخراج شده است.

### ۳. منقولات ابن بابویه از محمد بن یحیی العطار

محمد بن یحیی از عالمان، فقیهان، محدثان بزرگ و دانشمند شیعه شهر مقدس قم، استاد مرحوم کلینی و محدثی با روایات زیاد و صاحب دو کتاب النوادر و مقتل الحسین علیه السلام، مورد اعتماد اهل علم و حدیث، موثق و «عین» بوده است.<sup>۳</sup>

گرچه در کتاب های رجالی از تاریخ ولادت و وفات این عالم فقیه و محدث بزرگوار سخنی به میان نیامده است، اما از آن جا که وی از محضر استادانی چون محمد بن حسین بن ابی الخطاب (م ۲۶۲ ق) استفاده کرده است<sup>۴</sup> و استاد محدث عظیم الشأن، محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ ق)،<sup>۵</sup> علی بن بابویه (م ۳۲۹ ق) و محمد بن حسن بن ولید قمی (م ۳۴۳ ق) بوده است،<sup>۶</sup> باید در نیمه دوم قرن سوم تا اوایل قرن چهارم زیسته باشد.

وی دارای دو کتاب النوادر و مقتل الحسین علیه السلام بوده است.<sup>۷</sup> نام علی بن بابویه در طریق انتقال کتب ایشان ذکر نشده است؛ ولی چنان که مذکور افتاد، از مشایخ بی واسطه علی بن بابویه است و از این رو، به طور طبیعی، به کتب استاد خود دسترسی داشته است.<sup>۸</sup>

۱. پس از اتمام نگارش مقاله، متوجه شدیم که فضل تقدم در ابتکار این شیوه با احسان سرخه ای در مقاله «کتاب حلبی منبعی مکتوب در تألیف الکافی» بوده است.

۲. الرجال، ص ۳؛ فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۴.

۳. الرجال، ص ۳۵۳؛ فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۴۳۹.

۴. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۹، ص ۱۰.

۵. فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۴۳۹.

۶. معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۱۰.

۷. الرجال، ص ۳۵۳.

۸. برای مطالعه برخی شواهد پرتکرار این ادعا، رک: التوحید، ج ۱، ص ۸۲، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۳۴، ۱۴۵، ۲۹۵؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۹، ۹۲؛ ج ۲، ص ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۹۶، ۴۱۵، ۴۱۸؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۷۵، ۷۶، ۱۴۷؛ معانی الأخبار، ج ۱، ص ۱۶۲، ۱۷۴،

۲۱۷ در نرم افزار درایه النور ۲، آمار روایت علی بن بابویه از محمد بن یحیی العطار، ۱۱۰۹ مورد است.

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، ابن بابویه در کتاب خود، ۲۳ مورد از اسناد احادیثش را با نام محمد بن یحیی آغاز نموده است. در این میان، در دو حدیث ۵۹ و ۸۶ در طبقه محمد بن یحیی عطف صورت گرفته است و محمد بن یحیی و احمد بن ادریس بر یکدیگر عطف شده‌اند. تشخیص قطعی این‌که این احادیث به طور مستقیم از کتاب النوادر محمد بن یحیی گرفته شده یا از کتب دیگران، مشکل و نیازمند بررسی‌های دقیق و تخصصی است. در تمام منقولات ابن بابویه از محمد بن یحیی، احتمال قوی، اخذ احادیث از کتب: النوادر محمد بن یحیی، الإمامه محمد بن احمد، الإمامه یونس بن عبدالرحمن و الإمامه و وصایا الإمامه علیه السلام محمد بن حسین بن ابی الخطاب است. هم‌چنین، این احتمال نیز وجود دارد که این راویان هم، این احادیث را از منابع متقدم بر خود گرفته باشند. این از آن رواست که بسیاری از رجال واقع در اسناد این احادیث دارای تألیف یا تألیفاتی در زمینه امامت بوده‌اند. بنا بر این، بسیاری از احتمالات و تحلیلاتِ مصدرشناختی که در این تحقیق، در ذیل احادیث آورده‌ایم، در عرض یکدیگر نبوده و با هم قابل جمع است. لازم به یادآوری است تحلیل‌های مصدرشناختی در این تحقیق به ترتیبِ کهن‌ترین منبع مکتوب مرتب گردیده است. این احتمال را نیز نباید از نظر دور داشت که ابن بابویه حدیث را از تألیفات راویان متقدم بر محمد بن یحیی گرفته باشد که به واسطه محمد بن یحیی به او رسیده بوده است.

در هر روی، منقولات محمد بن یحیی در کتاب الإمامة و التبصرة من الحيرة از پنج تن روایت شده و اسناد این منقولات با درج شماره حدیث در کتاب، در جداولی در ذیل ارائه گردیده است. در هر مورد پس از ذکر صورت بازسازی شده اسانید در جداول، به تحلیل مصدرشناختی هریک از احادیث پرداخته‌ایم. لازم به توضیح است که یک سند مشتمل بر عطف به دو سند قابل تحلیل است. بدین ترتیب شمار اسناد مورد مطالعه در این تحقیق ۲۴ سند است که مربوط به ۲۳ حدیث است.

### ۳-۱. منقولات محمد بن یحیی از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری

ردیف	شماره حدیث	سند حدیث
۱	۳۹	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ مَرْوَانَ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> ، قَالَ

ردیف	شماره حدیث	سند حدیث
۲	۴۰	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمُنْقَرِيِّ: (و) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْوَاسِطِيِّ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ، عَنِ (الْحُسَيْنِ بْنِ نُؤَيْرِ بْنِ) أَبِي فَاخْتَةَ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> ، قَالَ
۳	۴۸	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> ، قَالَ
۴	۴۹	و [محمد بن يحيى] عنه [محمد بن احمد] عن مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبِابٍ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ وَزُرَّازَةَ: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ <small>عليه السلام</small> ، قَالَ
۵	۵۶	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ، عَنْ فَضَّالَةَ بْنِ أُتَيْبٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الصَّرِيرِ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small>
۶	۵۷	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ صَفْوَانَ، عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small>
۷	۵۸	و [محمد بن يحيى] عنه [محمد بن احمد] عن مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَمَزَةَ الْقَمِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْقُرَشِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى <small>عليه السلام</small> ، يَقُولُ
۸	۶۵	و عَنْهُ [محمد بن يحيى] عن مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَفْوَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ، قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small>
۹	۶۸	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ الشَّامِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ، عَنِ الْحَسَنِ مَوْلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي الْحَكَمِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ يَزِيدَ بْنِ سَلِيطِ الرَّيْدِيِّ، قَالَ: لَقِينَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small>



ردیف	شماره حدیث	سند حدیث
۱۰	۸۵	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ <small>عليه السلام</small>
۱۱	۸۶	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، وَأَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> ، قَالَ
۱۲	۸۷	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> ، قَالَ

حدیث ۳۹. طبق قرینه دوم و پنجم، ابن بابویه این حدیث را از کتاب الإمامه محمد بن احمد گرفته است.<sup>۱</sup>

حدیث ۴۰. براساس داده‌های مصحح کتاب، سند این حدیث در هر دو نسخه مورد مراجعه وی اضطراب دارد و به صورت «سَلِيمَانُ بْنُ دَاوُدَ الْمُنْقَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْوَأَسِطِيِّ» ذکر شده است. همچنین براساس تحقیق او، این سند در علل الشرایع صدوق به صورت «الْمُنْقَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنِ الْحُسَيْنِ الْوَأَسِطِيِّ» ثبت شده که آن هم مضطرب است. از این رو، مصحح براساس قرآینی آن را تصحیح قیاسی کرده است و ما با اعتماد به تصحیح او، این دو سند را آورده‌ایم.<sup>۲</sup>

لازم به ذکر است که مصحح، این نکته را نیز یادآور شده است که منظور از ابی فاخته - که علی بن بابویه در سند خود، وی را راوی بی واسطه از امام صادق عليه السلام ذکر می‌کند - در اصل، حسین بن ثویر بن ابی فاخته است که این امر، با توجه به سایر مصادر این حدیث قابل پذیرش است.<sup>۳</sup> به عبارت دیگر، همه مصادر به نقل از یونس بن عبدالرحمن عن حسین بن ثویر ذکر نموده‌اند و ابی فاخته، جدّ حسین، از اصحاب امام علی عليه السلام است.<sup>۴</sup>

۱. الرجال، ص ۳۴۸.

۲. رک: الإمامة و التبصرة من الحيرة، ص ۵۶، پ ۱.

۳. همان.

۴. رک: من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۰۰؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۱۴؛ فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنّفين و أصحاب الأصول، ص ۱۹۶ و ۲۲۶.

با توجه به عطف صورت گرفته در سند حدیث، طبق قرینه دوم و پنجم، در سند اول، منبع مکتوب اخذ حدیث، کتاب الإمامه محمد بن احمد است<sup>۱</sup> و طبق قرینه پنجم، در سند دوم، حدیث از کتاب الإمامه یونس بن عبدالرحمن اخذ شده است.<sup>۲</sup>

حدیث ۴۸. قوی‌ترین احتمال طبق قرینه پنجم، اخذ حدیث از کتاب الإحتجاج فی الإمامه<sup>۳</sup> و یا الإمامه<sup>۴</sup> ابن ابی عمیر است. به نظر می‌رسد این دو عنوان به یک کتاب اشاره دارد. در واقع، ابن ابی عمیر صاحب یک کتاب در زمینه امامت است که با دو عنوان از آن یاد شده است. ضمن این‌که محمد بن احمد نیز صاحب کتاب الإمامه است<sup>۵</sup> که به محل بحث مرتبط است (قرینه پنجم). لذا می‌توان احتمال داد کتاب ابن ابی عمیر به دست محمد بن احمد رسیده است و ایشان این حدیث را در کتاب خود به نقل از کتاب ابن ابی عمیر نقل کرده است.

حدیث ۴۹. طبق قرینه پنجم، مصدر مکتوب اخذ حدیث، کتاب الإمامه و الوصیه علی بن رئاب است.<sup>۶</sup> محتمل است حسن بن محبوب نیز در کتاب النوادر و یا المشیخه خود، از کتاب وی نقل نموده باشد.<sup>۷</sup>

هم‌چنین، می‌توان سند این حدیث را طریقی دیگر برای انتقال کتاب علی بن رئاب دانست که در کتب فهرستی به آن اشاره نشده است و طبق قرینه پنجم، ادعا نمود این حدیث را محمد بن حسین در کتاب الإمامه و یا وصایا الإنمه<sup>۸</sup> خویش<sup>۸</sup> به نقل از کتاب علی بن رئاب آورده، و محمد بن احمد نیز در کتاب الإمامه خود<sup>۹</sup> به نقل از کتاب محمد بن حسین و یا علی بن رئاب ذکر نموده‌اند.

حدیث ۵۶. مصحح کتاب به قرینه نقل تمام یا بخش‌هایی از این حدیث در مصادر مختلف از فیض بن مختار و ادعای کشی مبنی بر این‌که اولین فردی که از امام صادق<sup>ع</sup> امامت فرزندشان، موسی بن جعفر<sup>ع</sup> را شنیده است، فیض بن مختار است و به دلیل بعید بودن

۱. الرجال، ص ۳۴۸.

۲. همان، ص ۴۴۶؛ فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۵۱۱.

۳. الرجال، ص ۳۲۶.

۴. فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۴۰۴.

۵. الرجال، ص ۳۴۸.

۶. همان، ص ۲۵۰؛ فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۲۶۳.

۷. فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۱۲۲.

۸. الرجال، ص ۳۳۴.

۹. همان، ص ۳۴۸.

احتمال تعدد روایت برای این حدیث طولانی، احتمال قوی داده است که ابوجعفر الضریر، همان محمد بن فیض بن المختار باشد که از پدرش، فیض بن المختار نقل روایت کرده است. از نظر مصحح، عبارت نجاشی در ترجمه فیض بن المختار - که وی را صاحب کتابی معرفی می‌نماید که پسرش، جعفر آن را روایت می‌کند<sup>۱</sup> - خالی از تصحیف نیست و صحیح آن «پسرش ابوجعفر» است. در مصادر حدیثی، برای فیض فرزندی که از وی نقل روایت نموده باشد، جز محمد ذکر نشده است؛<sup>۲</sup> چنان‌که در کتاب رجال شیخ طوسی نیز این چنین نام برده شده است؛<sup>۳</sup> مضاف بر این‌که عادتاً به اسامی محمد، کنیه ابوجعفر داده می‌شده است.<sup>۴</sup>

به هر روی، ابوجعفر ضریر و پدرش هر که باشند، قوی‌ترین احتمال در مورد مصدر مکتوب این حدیث به قرینه پنجم، اخذ حدیث از یکی از کتب البشارات، الملاحم و یا المثالب علی بن مهزیار است.<sup>۵</sup> می‌دانیم که ابراهیم بن مهزیار، تمامی کتب برادرش علی را روایت نموده است.<sup>۶</sup> نیز، طبق قرینه پنجم، می‌توان گفت محمد بن احمد این حدیث را در کتاب الإمامه خویش نقل نموده است.<sup>۷</sup> محتمل است مطابق سند این حدیث، محمد بن احمد نیز در طریق انتقال کتب علی بن مهزیار قرار داشته باشد؛ هر چند در کتب فهرستی به آن اشاره‌ای نشده است.

حدیث ۵۷. قوی‌ترین احتمال، طبق قرینه پنجم، اخذ حدیث از کتاب الإمامه عبدالله بن مسکان است؛<sup>۸</sup> همان‌طور که می‌توان احتمال داد صفوان بن یحیی در کتاب المثالب و یا النوادر خود<sup>۹</sup> به نقل از کتاب ابن مسکان و نیز، محمد بن احمد در کتاب الإمامه خویش<sup>۱۰</sup> به نقل از کتاب المثالب و یا النوادر صفوان بن یحیی و یا کتاب الإمامه ابن مسکان، این حدیث را ذکر نموده‌اند. می‌دانیم که صفوان بن یحیی در طریق انتقال کتاب عبدالله بن مسکان قرار دارد. هم‌چنین، به استناد سند این حدیث می‌توان احتمال داد محمد بن احمد نیز در طریق انتقال کتاب عبدالله بن مسکان و صفوان بن یحیی قرار داشته است؛ هر چند در کتب

۱. همان، ص ۳۱۱.

۲. إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۱۰.

۳. الرجال، ص ۲۹۲.

۴. الإمامة و التبصرة من الحيرة، ص ۶۹، پ ۹.

۵. الرجال، ص ۲۵۳؛ فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۲۶۵.

۶. همان.

۷. الرجال، ص ۳۴۸.

۸. همان، ص ۲۱۴.

۹. همان، ص ۱۹۷؛ فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۲۴۱.

۱۰. الرجال، ص ۳۴۸.

فهرستی به آن اشاره‌ای نشده است.

حدیث ۵۸. با توجه به محتوای حدیث و قرینه دوم و پنجم، مصدر مکتوب اخذ این حدیث، کتاب وصایا الإمامه علیه السلام محمد بن حسین است؛<sup>۱</sup> اما از آن جا که محمد بن احمد نیز صاحب کتاب الإمامه<sup>۲</sup> است که به موضوع حدیث مرتبط است، می‌توان احتمال داد کتاب محمد بن حسین، به دست محمد بن احمد نیز رسیده است و ایشان این حدیث را در کتاب خود به نقل از کتاب محمد بن حسین نقل نموده است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت محمد بن احمد نیز در طریق انتقال کتاب محمد بن حسین قرار داشته است؛ هر چند کتب فهرستی وی را در طریق انتقال کتاب محمد بن حسین ذکر نکرده‌اند.

حدیث ۶۸. طبق قرینه پنجم، مصدر مکتوب اخذ این حدیث، کتاب التفسیر علی بن أسباط است.<sup>۳</sup> هم‌چنین، سند این حدیث می‌تواند طریقی دیگری به کتاب وی باشد که در کتب فهرستی به آن اشاره‌ای نشده است و حسن بن موسی نیز این حدیث را در کتاب الرد علی الواقفیه خود<sup>۴</sup> به نقل از کتاب علی بن أسباط و محمد بن احمد در کتاب الإمامه خویش<sup>۵</sup> به نقل از کتاب حسن بن موسی و یا کتاب علی بن أسباط ذکر نموده‌اند. مطابق سند این حدیث، محتمل است محمد بن احمد نیز در طریق انتقال کتاب حسن بن موسی قرار داشته باشد؛ هر چند در کتب فهرستی مذکور نیست.

حدیث ۸۵. می‌توان گفت مراد از عبارت «عمن ذکره» به قرینه حدیث ۵۷، یعقوب بن یزید یا به قرینه حدیث ۶۵، علی بن اسماعیل است. قوی‌ترین احتمال، طبق قرینه پنجم، اخذ حدیث از کتاب الملاحم و یا النوادر صفوان بن یحیی است.<sup>۶</sup> محتوای حدیث و نیز ذکر آن ذیل باب النوادر، با عناوین هر دو کتاب متناسب است. قرینه‌ای مبنی بر این‌که حدیث از کدام یک از این کتب اخذ شده است، در دسترس نیست. هم‌چنین، طبق قرینه پنجم، می‌توان گفت محمد بن احمد نیز در کتاب الإمامه خود، این حدیث را به نقل از کتب صفوان بن یحیی ذکر نموده است.<sup>۷</sup> به عبارت دیگر، طبق سند این حدیث، می‌توان گفت

۱. همان، ص ۳۳۴.

۲. همان، ص ۳۴۸.

۳. همان، ص ۲۵۲.

۴. همان، ص ۴۲.

۵. همان، ص ۳۴۸.

۶. همان، ص ۱۹۷؛ فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۲۴۱.

۷. الرجال، ص ۳۴۸.

محمد بن احمد نیز در طریق انتقال کتب صفوان بن یحیی قرار دارد؛ هر چند در کتب فهرستی از وی در طریق انتقال کتب صفوان بن یحیی نامی به میان نیامده است. حدیث ۸۶. قوی‌ترین احتمال به قرینه دوم و پنجم، اخذ حدیث از کتاب الإمامه محمد بن احمد است؛<sup>۱</sup> هر چند به دلیل یکی بودن عنوان باب این حدیث با عنوان کتاب النوادر محمد بن یحیی می‌توان حکم به اخذ مستقیم این حدیث از کتاب محمد بن یحیی نیز نمود.<sup>۲</sup>

حدیث ۸۷. به دلیل یکی بودن عنوان باب این حدیث با کتاب النوادر ابی‌ایوب الخزاز می‌توان گفت حدیث از کتاب وی اخذ شده<sup>۳</sup> و صفوان بن یحیی در کتاب الملاحم و یا النوادر خود<sup>۴</sup> این حدیث را از کتاب ابی‌ایوب نقل نموده است. محتوای حدیث و نیز ذکر آن ذیل باب النوادر، با عناوین هر دو کتاب صفوان بن یحیی متناسب است. قرینه‌ای مبنی بر این‌که حدیث در کدام یک از این کتب نقل شده است، در دسترس نیست؛ مضاف بر این‌که، طبق قرینه پنجم، می‌توان گفت محمد بن احمد این حدیث را در کتاب الإمامه خویش به نقل از کتاب النوادر و یا الملاحم صفوان بن یحیی و یا النوادر ابی‌ایوب ذکر کرده است.<sup>۵</sup> با توجه به سند این حدیث، همان‌گونه که پیش‌تر مذکور افتاد، می‌توان گفت محمد بن احمد در طریق انتقال کتب صفوان بن یحیی و هم چنین، کتاب ابی‌ایوب قرار دارد؛ هر چند در کتب فهرستی به آن اشاره‌ای نشده است.

### ۲-۳. منقولات محمد بن یحیی از محمد بن حسین بن ابی‌الخطاب

ردیف	شماره حدیث	سند حدیث
۱۳	۵	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ يَعْقُوبَ السَّرَّاجِ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small>
۱۴	۶	و [محمد بن یحیی] عَنْهُ [محمد بن حسین] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small>

۱. همان.

۲. همان، ص ۳۵۳.

۳. همان، ص ۲۰.

۴. همان، ص ۱۹۷؛ فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۲۴۱.

۵. الرجال، ص ۳۴۸.

ردیف	شماره حدیث	سند حدیث
۱۵	۷	وَ [محمد بن یحیی] عَنْهُ [محمد بن حسین] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ بَعْضِ الثَّقَاتِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ
۱۶	۵۴	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنِ ابْنِ فَضَالٍ، عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ، عَنْ زُرَّارَةَ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> ، قَالَ
۱۷	۶۴	وَ عَنْهُ [محمد بن یحیی] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small>
۱۸	۵۵	وَ عَنْهُ [محمد بن یحیی] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ فَضَيْلٍ، عَنْ طَاهِرٍ، قَالَ: كُنْتُ قَاعِدًا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ <small>عليه السلام</small>
۱۹	۶۳	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ فَضَيْلٍ، عَنْ طَاهِرٍ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> ، قَالَ:
۲۰	۷۲	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ: عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> ، قَالَ قُلْتُ:
۲۱	۸۰	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ: عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ <small>عليه السلام</small> ، قَالَ

حدیث ۵. این حدیث می‌تواند از کتاب المشیخه و یا النوادر حسن بن محبوب گرفته شده باشد؛ ضمن این‌که محمد بن حسین نیز صاحب کتاب الإمامه است که به موضوع حدیث مرتبط است.<sup>۱</sup> لذا می‌توان احتمال داد ایشان این حدیث را در کتاب خود از آثار حسن بن محبوب نقل نموده باشد. هم‌چنین، محتمل است سند این حدیث، طریقی دیگر به کتب حسن بن محبوب باشد که در کتب فهرستی به آن اشاره نشده است. در غیر این صورت، طبق قرینه دوم و پنجم، ابن بابویه این حدیث را مستقیماً از کتاب الإمامه محمد بن حسین گرفته است.<sup>۲</sup>

حدیث ۶. طبق قرینه پنجم، منبع مکتوب این حدیث کتاب الاحتجاج فی الإمامه<sup>۳</sup> و یا الإمامه<sup>۴</sup> محمد بن ابی عمیر است که محمد بن عیسی در کتاب الإمامه خود<sup>۵</sup> از کتاب وی

۱. فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۱۲۲.

۲. الرجال، ص ۳۳۴.

۳. همان.

۴. همان، ص ۳۲۶.

۵. فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۴۰۴.

۶. الرجال، ص ۳۳۳.

نقل نموده است. هم چنین، می توان گفت محمد بن حسین نیز این حدیث را در کتاب الإمامه خود<sup>۱</sup> به نقل از کتاب ابن ابی عمیر ذکر نموده است.

اگر این احتمال مفروض گردد که محمد بن حسین در کتاب خود از کتاب الإمامه محمد بن عیسی، نقل نموده است، می توان احتمال داد محمد بن حسین نیز در طریق انتقال کتاب محمد بن عیسی قرار داشته است؛ هر چند در کتب فهرستی از وی در طریق انتقال کتب محمد بن عیسی بن عبید، نامی به میان نیامده است.

حدیث ۷. به قرینه حدیثی مشابه در کتاب علل الشرایع<sup>۲</sup>، محتمل است منظور از عبارت «بعض الثقات»، سعد بن ابی خلف اشعری باشد.<sup>۳</sup>

طبق قرینه اول و پنجم، منبع مکتوب اخذ این حدیث کتاب الإمامه محمد بن عیسی بن عبید است<sup>۴</sup> و محتملاً محمد بن حسین نیز در کتاب الإمامه خود، از کتاب محمد بن عیسی نقل نموده است. به عبارت دیگر، همان گونه که در حدیث قبل مذکور گردید، می توان محمد بن حسین را نیز در طرق انتقال کتاب محمد بن عیسی به شمار آورد؛ هر چند کتب فهرستی از وی در طرق انتقال کتاب محمد بن عیسی نامی نبرده اند.

حدیث ۵۴ و ۶۴. قوی ترین احتمال، با توجه به محتوای حدیث و طبق قرینه دوم و پنجم، اخذ حدیث از کتاب الإمامه و یا وصایا الإمامه علیه السلام محمد بن حسین است.<sup>۵</sup> قرینه ای مبنی بر این که حدیث از کدام یک از این دو کتاب اخذ شده است، در دسترس نیست.

حدیث ۵۵ و ۶۳. با توجه به مطابقت کامل اسناد این دو حدیث بر یکدیگر، مصدر مکتوب این احادیث می تواند کتاب المشیخه و یا النوادر جعفر بن بشیر باشد. کتاب المشیخه وی همانند کتاب المشیخه حسن بن محبوب دانسته شده است. این ادعا می تواند به عنوان قرینه، احتمال اخذ حدیث از کتاب المشیخه<sup>۶</sup> وی را تقویت نماید. نیز، طبق قرینه پنجم می توان گفت محمد بن حسین این احادیث را در کتاب الإمامه و یا وصایا الإمامه علیه السلام خود،<sup>۷</sup> به نقل از کتب وی ذکر نموده باشد. در غیر این صورت، طبق قرینه دوم و

۱. همان، ص ۳۳۴.

۲. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۹۲.

۳. الرجال، ص ۱۷۸؛ فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۲۱۷.

۴. الرجال، ص ۳۳۳.

۵. همان، ص ۳۳۴.

۶. همان، ص ۱۱۹؛ فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۱۰۹.

۷. الرجال، ص ۳۳۴.

پنجم، ابن بابویه این دو حدیث را از کتاب الإمامه و یا وصایا الإمامه علیه السلام محمد بن حسین اخذ کرده است.<sup>۱</sup>

حدیث ۶۵. قوی ترین احتمال طبق قرینه پنجم، اخذ حدیث از کتاب الإمامه عبدالله بن مسکان است<sup>۲</sup> که صفوان بن یحیی نیز در کتاب المثالب و یا النوادر خود<sup>۳</sup> از کتاب وی نقل نموده است. این احتمال از آن جا تقویت می شود که صفوان بن یحیی در طریق انتقال کتاب عبدالله بن مسکان قرار دارد. هم چنین، می توان گفت محمد بن احمد نیز در کتاب الإمامه خویش<sup>۴</sup> آن را به نقل از کتاب ابن مسکان و یا کتب صفوان بن یحیی ذکر کرده است و مطابق سند این حدیث، همان گونه که پیش تراشاره گردید، محمد بن احمد نیز در طریق انتقال کتاب عبدالله بن مسکان و صفوان بن یحیی قرار دارد؛ هر چند در کتب فهرستی به آن اشاره ای نشده است.

حدیث ۷۲. به قرینه احادیث مشابه در دیگر منابع حدیثی، منظور از «بعض أصحاب ابي عبدالله»، حکم بن مسکین<sup>۵</sup> و عبید بن زراره<sup>۶</sup> است.<sup>۷</sup> با توجه به اشتراک علی بن اسیباط در همه اسانیدی که برای این حدیث ذکر شده است، قوی ترین احتمال مربوط به اخذ حدیث از کتاب النوادر، الدلائل و یا اصل وی است.<sup>۸</sup> قرینه ای مبنی بر این که حدیث از کدام یک از کتب وی اخذ شده است، در دسترس نیست. طبق قرینه پنجم، می توان گفت محمد بن حسین نیز در کتاب الإمامه و یا وصایا الإمامه علیه السلام خویش، از کتب وی نقل نموده است.<sup>۹</sup> در غیر این صورت، طبق قرینه دوم و پنجم، مصدر مکتوب مورد استفاده ابن بابویه در اخذ این حدیث کتاب الإمامه و یا وصایا الإمامه علیه السلام محمد بن حسین است.<sup>۱۰</sup>

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۱۴

۳. همان، ص ۱۹۷؛ فهرست کتب الشیعه و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۲۴۱.

۴. الرجال، ص ۳۴۸.

۵. همان، ص ۱۳۶ و ۴۲۶؛ فهرست کتب الشیعه و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۱۶۰.

۶. رساله ابي غالب الزراري إلى ابن ابيه في فكر آل أعین، ص ۲۱۶؛ الرجال، ص ۲۳۳؛ فهرست کتب الشیعه و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۳۰۸.

۷. رک: بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۷۷ و ۴۸۱؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۷۴.

۸. الرجال، ص ۲۵۲؛ فهرست کتب الشیعه و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۲۶۸.

۹. الرجال، ص ۳۳۴.

۱۰. همان.



حدیث ۸۰. قوی‌ترین احتمال طبق قرینه پنجم و هفتم، مربوط به اخذ حدیث از کتاب النوادر محمد بن سنان است؛<sup>۱</sup> همان‌طور که طبق قرینه پنجم، احتمال می‌رود محمد بن حسین در کتاب الإمامه و یا وصایا الإمامه علیه السلام خویش، از کتاب وی نقل نموده باشد.<sup>۲</sup>

### ۳-۳. نقل محمد بن یحیی از عبدالله بن محمد بن عیسی

ردیف	شماره حدیث	سند حدیث
۲۲	۲	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْعَلَاءِ، عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ، قَالَ: قَالَ الْبَاقِرُ <small>عليه السلام</small>

حدیث ۲. این حدیث می‌تواند از کتاب النوادر أبو حمزه ثمالی گرفته شده باشد.<sup>۳</sup> محتمل است محمد بن یحیی نیز این حدیث را در کتاب النوادر خود، از کتاب وی نقل نموده باشد.<sup>۴</sup> احتمال نقل شفاهی ابن بابویه از محمد بن یحیی را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت.

### ۳-۴. نقل محمد بن یحیی از محمد بن حسین واسطی

ردیف	شماره حدیث	سند حدیث
۲۳	۴۰	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ: (و) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْوَاسِطِيِّ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ، عَنِ (الْحُسَيْنِ بْنِ نُؤَيْرِ بْنِ) أَبِي فَاخْتَةَ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> ، قَالَ

حدیث ۴۰. در مورد این حدیث و مصدر مکتوب آن قبلاً سخن گفته شد. از آن جا که در آغاز مقاله ملتزم به بررسی اسناد تمام منقولات از محمد بن یحیی شدیم، این سند را - که مشتمل بر عطف است - به اعتبار محمد بن حسین واسطی، دوباره ذکر کردیم.<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۳۲۸.

۲. همان، ص ۳۳۴.

۳. همان، ص ۱۱۵؛ فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۱۰۵.

۴. الرجال، ص ۳۵۳.

۵. رک: ح ۴۰، ردیف ۱-۳.

## ۳-۵. نقل محمد بن یحیی از محمد بن عبد الجبار

ردیف	شماره حدیث	سند حدیث
۲۴	۵۹	أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ، عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ، عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ، قَالَ

حدیث ۵۹. اگر عبارت «له روایات» - که شیخ طوسی آن را در مورد محمد بن عبد الجبار به کار برده<sup>۱</sup> - به معنای «له کتاب» و یا «له کتاب نوادر» در نظر گرفته شود،<sup>۲</sup> طبق قرینه هفتم احتمال می‌رود این حدیث از کتاب محمد بن عبد الجبار اخذ شده باشد؛ هر چند این عبارت در الفهرست شیخ طوسی، معانی متفاوتی را شامل می‌گردد.<sup>۳</sup> در غیر این صورت، این حدیث می‌تواند از کتاب النوادر محمد بن یحیی گرفته شده باشد.<sup>۴</sup> در این مورد، این حدیث را نیز، با توجه به کمبود قراین اخذ از منبع مکتوب احتمال نقل شفاهی نمی‌توان از نظر دور داشت.

## ۴. نتیجه

در بررسی و تحلیل مصدرشناختی منقولات ابن بابویه از محمد بن یحیی در الإمامة و التبصرة من الحيرة، نتایج کلی زیر به دست آمد:

۱. از میان ۲۳ حدیث منقول از محمد بن یحیی به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین منابع به عصر ابن بابویه و محتمل‌ترین منابع مورد استفاده او کتاب‌های: الإمامة محمد بن احمد، الإمامة یونس بن عبد الرحمن، الإمامة و وصایا الإمامة علیه السلام محمد بن حسین و النوادر محمد بن یحیی باشد.
۲. مصادری که نسبت به عصر ابن بابویه، کهن‌تر محسوب می‌شوند و محتمل است احادیث مورد استفاده وی از این کتب گرفته شده یا در آن‌ها نیز نقل شده باشد، عبارت‌اند از: کتاب التفسیر علی بن أسباط، کتاب النوادر ابی آیوب الخزاز، کتاب المشیخه و یا النوادر جعفر بن بشیر، کتاب النوادر أبو حمزه الثمالی، روایات محمد بن عبد الجبار، کتاب الإمامة و الوصیة علی بن رئاب، کتاب النوادر و یا المشیخه حسن بن محبوب، کتاب الإمامة عبد الله

۱. فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۴۱۵.

۲. برای مطالعه بیشتر در این باره، رک: «کاربرد له روایات و ارتباط آن با کتاب نوادر».

۳. رک: همان.

۴. الرجال، ص ۳۵۳.

بن مسکان، کتاب الرد علی الواقفیه حسن بن موسی الخشاب، کتاب البشارات، الملاحم و یا المثالب علی بن مهزیار، کتاب الملاحم، المثالب و یا النوادر صفوان بن یحیی، کتاب النوادر محمد بن سنان و کتاب الإمامه محمد بن عیسی بن عبید.

۳. داده‌های فهرستی - که از اسانید مورد مطالعه استخراج شد - مشتمل بر موارد زیر است:

۱-۳. طبق اسناد احادیث ۶ و ۷، می‌توان احتمال داد محمد بن حسین بن ابی خطاب نیز در طریق انتقال کتاب الإمامه محمد بن عیسی قرار داشته است.

۲-۳. می‌توان سند حدیث ۴۹ را طریقی دیگر برای انتقال کتاب الإمامه و الوصیه علی بن رثاب دانست و ادعا نمود که محمد بن حسین و محمد بن احمد نیز در طریق انتقال کتاب علی بن رثاب قرار دارند؛ هر چند در کتب فهرستی بیان نشده است.

۳-۳. به نظر می‌رسد محمد بن احمد، به استناد سند حدیث ۵۶، در طریق انتقال کتب علی بن مهزیار، مطابق اسناد احادیث ۵۷ و ۶۵، در طریق انتقال کتاب الإمامه عبدالله بن مسکان، طبق اسانید احادیث ۵۷، ۶۵، ۸۵ و ۸۶ در طریق انتقال کتب صفوان بن یحیی و مطابق سند حدیث ۵۸ در طریق انتقال کتاب وصایا الإمامه علیه السلام محمد بن حسین بن ابی الخطاب قرار داشته است؛ هر چند در کتب فهرستی به آن اشاره‌ای نشده است؛ خصوصاً که به تصریح نجاشی و طوسی، محمد بن احمد فردی کثیر الروایه معرفی شده که به معنای وساطت او در طریق انتقال آثار بسیار است.

۴-۳. نیز، به نظر می‌رسد سند حدیث ۶۸ می‌تواند طریقی دیگر به کتاب التفسیر علی بن أسباط باشد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که حسن بن موسی و محمد بن احمد نیز در طریق انتقال کتاب علی بن أسباط قرار دارند؛ اما در کتب فهرستی ذکر نشده‌اند.

#### کتابنامه

إقبال الأعمال، علی بن موسی بن طاووس، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۹ق.

الإمامة و التبصرة من الحيرة، علی بن حسین بن بابویه، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۴ق.

بازسازی متون کهن حدیث شیعه، سید محمد عمادی حائری، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۴ش.  
بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد عليهم السلام، محمد بن حسن صفار قمی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

- تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن حسن حر عاملي، قم: موسسه آل البيت عليه السلام، ١٤١٤ق.
- التوحيد، شيخ صدوق، تصحيح: هاشم حسيني طهراني، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤١٦ق.
- خاتمة مستدرک الوسائل، حسين نوري طبرسي، قم: موسسه آل البيت عليه السلام، ١٤١٥ق.
- الرجال، احمد بن علي نجاشي، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعه لجامعة المدرسين بقم المشرفه، ١٣٦٥ش.
- رسالة أبي غالب الزراري إلى ابن ابنه في ذكر آل أعين ابوغالب احمد بن محمد زاري، قم: مركز البحوث والتحقيقات الإسلامية، ١٣٦٩ش.
- الرواشح السماويه، محمد باقر بن محمد ميرداماد، تحقيق: غلام حسين قيصرهها و نعمت الله جليلي، قم: دارالحديث، ١٣٨٠ش.
- علل الشرايع، شيخ صدوق، مقدمه: محمد صادق بحر العلوم، قم: مكتبة الداوري، بي تا.
- الفوائد المدنيه و الشواهد المكيه، محمد امين استرآبادي، تحقيق: رحمت الله رحمتي اراكي، قم: موسسه النشر الإسلامي، ١٤٢٤ق.
- فهارس الشيعة، مهدي خداميان الآراني، قم: موسسه تراث الشيعة، ١٣٨٩ش.
- فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنّفين و أصحاب الأصول، محمد بن حسن طوسي، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي، بي تا.
- الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تهران: دار الكتب الإسلامية، ١٤٠٧ق.
- كمال الدين و تمام النعمه، شيخ صدوق، تصحيح: علي اكبر غفاري، تهران: دارالكتب الإسلامية، ١٣٩٥ق.
- مشرق الشمسين و إكسير السعادتين، محمد بن حسين بهايي عاملي، قم: مكتبة بصيرتي، بي تا.
- معاني الأخبار، شيخ صدوق، تصحيح علي اكبر غفاري، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٣٦١ش.
- معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواه، ابوالقاسم خويي، بي جا، بي تا، ١٣٧٣ش.
- مقدمة الإمامة و التبصرة من الحيرة، علي بن حسين بن بابويه، سيد محمدرضا حسيني جلالی، ١٤٠٤ق.

- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: موسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۴-۱۴۱۳ق.
- مهدویت نگاری در سده‌های نخستین، محمد معرفت، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۹ش.
- الوفی، محمد محسن فیض کاشانی، اصفهان، مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
- «بازشناسی مصادر احادیث کتاب الغیبه نعمانی»، محمد معرفت و محمد غفوری نژاد، مجله شیعه پژوهی، ۱۳۹۷ش، ش ۱۴، ص ۵-۲۶.
- «بازشناسی مصادر کتاب الغیبه طوسی»، محمد مسعودی، مجله انتظار موعود، ۱۳۸۸ش، ش ۲۸، ص ۱۳۳-۱۵۲.
- «بازشناسی منابع کلینی در تدوین الکافی»، عبدالرضا حمادی، و سید علیرضا حسینی، مجله حدیث پژوهی، ۱۳۹۳ش، ش ۱۱، ص ۱۸۱-۲۰۶.
- «تبارشناسی منابع روایات اعتقادی الکافی»، اسماعیل اثباتی و سید کاظم طباطبایی پور، نشریه کتاب قیم، ۱۳۹۶ش، ش ۱۷، ص ۲۵۶-۲۸۸.
- «تحلیل مصدرشناختی الغیبه شیخ طوسی»، محمد معرفت و محمد غفوری نژاد، مجله انتظار موعود، ۱۳۹۶ش، ش ۵۷، ص ۵-۲۷.
- «تدوین حدیث»، مجید معارف، محسن معینی و لیلا هوشنگی، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر: غلامعلی حداد عادل، ج ۶، ص ۷۴۹-۷۵۵، ۱۳۸۱ش.
- «حدیث شناسی الإمامة والتبصرة من الحیرة، نجم الدین طبسی و محمد مهدی لطفی، مجله انتظار موعود، ۱۳۸۵ش، ش ۱۸، ص ۱۷۹-۲۰۸.
- «عرضه حدیث بر امامان علیهم السلام: قسمت اول»، عبدالهادی مسعودی، مجله علوم حدیث، ۱۳۷۶ش، ش ۹، ص ۲۹-۵۴.
- «عرضه حدیث بر امامان علیهم السلام: قسمت دوم»، عبدالهادی مسعودی، مجله علوم حدیث، ۱۳۷۷ش، ش ۹، ص ۱۲۰-۱۶۹.
- «الکاتب النعمانی و کتاب الغیبه»، محمد جواد شبیری زنجانی، مجله علوم حدیث، ۱۴۱۹ق، ش ۳، ص ۱۷۵-۲۳۸.
- «کاربرد له روایات و ارتباط آن با کتاب نوادر»، احسان سرخه‌ای، مجله علوم حدیث، ۱۳۹۵ش، ش ۸۱، ص ۹۸-۱۲۵.

«کتاب حلبی منبعی مکتوب در تالیف الکافی»، احسان سرخه‌ای، مجله علوم حدیث، ۱۳۸۸ش، ش ۵۱، ص ۳۴-۵۸.

«منبع معتبر و نشانه‌های آن نزد محدثان متقدم امامی: نگاهی به جایگاه منبع مکتوب در حدیث پژوهی قدما»، حمید باقری، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۱۳۹۳ش، ش ۱، ص ۱-۲۶.

«نگاهی به نقش و جایگاه مؤلفه‌های کتاب محور در ارزیابی‌های حدیثی قدما در پرتو تحلیل منابع فهرستی»، حمید باقری، مجله علوم حدیث، ۱۳۹۲ش، ش ۶۸، ص ۳-۲۸.

